

بررسی نگرش، مشخصه‌های کلی و راهکارهای اخلاق اسلامی در فضای مجازی

محمد دانش نهاد/ طلبه سطح سه کلام و حکمت، مرکز تخصصی نور حکمت رضوی، مشهد، ایران.*
m_borodardar@yahoo.com

محمد حسن و کیلی/ عضو هیئت علمی موسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، مشهد، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۲

چکیده

فضای مجازی در عصر اخیر به قدری از اهمیت برخوردار است که بخش‌های گوناگون زندگی فردی و جمعی را تحت تأثیر خود قرار داده به گونه‌ای که بسیاری از آداب و فرهنگ‌ها را به ضد خود تبدیل نموده است. از آنجا که اخلاق اسلامی، مبتنی بر ادله قرآنی و روایی از عموم برخوردار است، در جهت نقد و بررسی و ارزیابی فضای مجازی نیز کارآمد است. این تحقیق با روش کتابخانه‌ای، تحلیل داده‌ها و تجمیع آراء، نگرش کلی در باب فضای مجازی (حرکت در مسیر توحید و بندگی) را تبیین و پس از آن راهبردها و راهکارهای اخلاق اسلامی برای مصونیت از خطرات فضای مجازی را بررسی می‌کند. راهبردهای اخلاق اسلامی عبارت است از: دوری از دنیا، اقبال به آخرت و آمادگی برای مرگ. همچنین راهکارهای تشخیص مصادیق این راهبردها در سه امر تبیین می‌شود: مراجعه به افراد خیره متعهد، تفکیک مطالب علمی از شهره‌های بی‌اساس و تفکیک نیازهای مبتنی بر عادت از نیازهای فطری. در بخش پایانی تأثیرات ناخودآگاه و خودآگاه فضای مجازی و عمده‌ترین قسمت‌های آن که عبارتند از سرگرمی‌ها، اخبار جزئی، اخبار علمی و خدمات فضای مجازی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: فضای مجازی، اخلاق اسلامی، رسانه، اسلام.

مقدمه

فعالیت در فضای مجازی به طور کلی به دو قسم تقسیم می‌گردد: قسم اول مربوط به افرادی است که حضور تأثیرگذارانه در فضای مجازی دارند تا با تولیدات خود، دیگران را تحت تأثیر خود قرار دهند و خلأهای موجود را جبران کنند که تعداد کمی را به خود اختصاص می‌دهند. قسم دوم غالب افرادی هستند که در فضای مجازی حضور دارند و نقش اثرپذیری و مصرف‌کننده را دارند. اگرچه امروزه سبک فضای مجازی به گونه‌ای شده است که اجازه نمی‌دهد اشخاص صرفاً مصرف‌کننده باشند. اگر انسان‌ها در برقراری ارتباط اثرگذار هم باشند، باز هم میزان اثرپذیریشان بیشتر از اثرگذاریشان است. طرح دیدگاه اخلاق اسلامی در باب فضای مجازی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چراکه اخلاق اسلامی در پی مدیریت الهی زندگی انسان‌ها است.

در حال حاضر، فضای مجازی یکی از گسترده‌ترین فضاها در زندگی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. تاکنون در این رابطه مقالات محدودی به رشته تحریر در آمده است که برخی از آن‌ها به آسیب‌ها و فرصت‌های فضای مجازی (مصطفی حسینی، ۱۳۹۶: ۶۲-۷۹؛ شاملی، ۱۳۹۶: ۱۱-۳۴) و برخی دیگر به توسعه بخشیدن مفاهیم اخلاقی در باب فضای مجازی (ثقة الاسلامی، ۱۳۹۷: ۱-۷) و یا به اصول اخلاقی (حبیبی و نیلی، ۱۳۹۵: ۱۲۴-۱۴۳) در این رابطه پرداخته است.

بررسی و تبیین اخلاق فضای مجازی برای افراد مصرف‌کننده نیازمند توجه به اموری است. اخلاق فضایی مستقل از مجموعه اخلاق اسلامی و دستورات آن نیست. به این جهت، باید به دنبال نگرش، راهبردها و راهکارهایی در این باره از لسان ادله دینی بود تا بتوان بخش‌های عمده‌ای را که در فضای مجازی وجود دارد، از این طریق، تحلیل و ارزیابی نمود.

۱. نگرش کلان اخلاق اسلامی در فضای مجازی

نگرش و هدف کلان از زندگی انسان، در تمامی عرصه‌ها در دین مبین اسلام، دستیابی به سعادت است که از طریق کسب معنویت و تقرب به سمت خداوند متعال

و بندگی محقق می‌گردد. چنان‌که در لسان آیات (ذاریات: ۵۶)^۱ و روایات (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱۶۴/۲؛ حسن بن علی، ۱۴۰۹: ۱۴۱)، هدف از خلقت جن و انس نیز دستیابی به عبودیت و عبادت خداوند متعال معرفی شده است (قمی، ۱۴۰۴: ۳۳۱/۲). انسان‌ها در شرایط گوناگون به دنبال سعادت و برترین لذت‌هایند که برای دستیابی به آن از توانایی‌های خود بهره‌مندی حداکثری می‌نمایند؛ چراکه سعادت‌طلبی و جست‌وجوی لذت، امری است که در ذات انسان‌ها نهاده شده است و تمام افعال انسان در زندگی بر این محور حرکت می‌کند (وکیلی، ۱۳۹۷: ۸۱/۲). آن‌چه موجب اختلاف جهت حرکت انسان‌ها از یکدیگر می‌شود، تشخیص مصداق سعادت و لذت حقیقی است. برخی، سعادت را دستیابی به امور مادی صرف و برخی امور معنوی می‌دانند. سعادت حقیقی انسان از دیدگاه اسلام، در تقرب جستن بنده به سمت خداوند و رسیدن به مقام عبودیت و توحید است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۲). با حرکت در مسیر معنویت، انسان می‌تواند به سمت خداوند متعال تقرب جوید و به کمالات و لذت‌هایی دست یابد که در سایر مسیرها یافت نمی‌شود (دیلمی، ۱۴۱۲: ۷۵/۱-۷۶). خداوند متعال زندگی کسانی را که از یاد وی غافلند (کهف: ۱۰۴)،^۳ زندگی تنگ و سختی توصیف می‌کند؛ اگرچه به ظاهر شخص احساس کند که در حال رشد و تکامل است (زحیلی، ۱۴۱۱: ۳۶/۱۶). در باب محدودۀ معیشت، مفسران آن را هم مربوط به عالم دنیا و هم عالم برزخ دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۱۳/۱۴-۳۱۴). علت آنکه امروزه در جوامع بشری آمار افسردگی، بحران هویت، از هم‌گسیختگی نظام خانواده بالا می‌رود و شاخصه‌های آرامش و رشد و تعالی پایین می‌آید، در همین امر است که خدا از زندگی‌های مدرن رخت برپسته است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۶۷/۶).

بحث اولی در باب فضای مجازی این است که آیا باید به فضای مجازی ورود نمود؟ بحث دوم آن است که حد و اندازه فعالیت در این فضا چه میزان باشد؟ بحث سوم آن است که چه قواعد و مقرراتی در این زمینه بایستی رعایت شود؛ به‌گونه‌ای که با عدم مراعات آن‌ها نمی‌توان به هدف خود که دستیابی به سعادت است، رسید؟ در پاسخ باید به همان قاعدۀ اساسی توجه نمود که آیا فضای مجازی موجب توجه نمودن به خداوند

متعال و دل‌کندن از دنیا و آمادگی برای مرگ می‌شود یا نه؟ در صورت مثبت بودن پاسخ چنین سؤالی، به هر میزانی حضور در فضای مجازی موجبات حضور قلب انسان را فراهم آورد و یا لاقلاً حس حضور قلب پیشین انسان را نگاهد، می‌توان در فضای مجازی حضور داشت، اما اگر با قطع ارتباط از فضای مجازی حس حضور قلب انسان نسبت به خداوند افزایش یابد، بایستی چنین اقدامی صورت پذیرد و برنامه زندگی طوری طراحی شود که امکان ورود به چنین فضایی فراهم نگردد. برای برخی افراد، همچون کودکان و نوجوانان، شاید همین‌طور باشد که صلاحشان در عدم ورود به چنین فضایی است. در صورتی که ضرورت ارتباط با فضای مجازی احساس شود، بایستی دائماً این سؤال مطرح گردد که با حضور در فضای مجازی چه مقدار حضور قلب انسان نسبت به خداوند متعال در اعمال عبادی خود همچون نماز بیشتر شده است؟ برای پاسخ به این سؤال، باید به این نکته توجه نمود که افراد برای حرکت در مسیر رشد و قضاوت در باب اعمال خود، بایستی به نیازهای خود توجه نمایند. آفت بسیار مهم آن است که افراد به جهت عدم درک درست از نیازهای خود، در تفکیک نیازهای حقیقی از کاذب، به خطا می‌افتند و به تبع آن، مواردی که نیاز کاذبند، نیاز حقیقی می‌شمارند و در جهت برآوردن آن‌ها برمی‌آیند و در این مسیر، به گونه‌ای پیش می‌روند که نهاد فطری آن‌ها دستخوش تغییر می‌گردد؛ به گونه‌ای که در مقابل دعوت حق ایستادگی می‌کنند و سعادت خود را ایستادگی در مسیر باطل می‌دانند و در نهایت، به سعادت حقیقی خود دست نمی‌یابند؛ چراکه سعادت از طریق تأمین نیازهای واقعی حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۵۴۶-۵۴۷ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۲/۵۶۰).

۲. مشخصه‌های کلی اخلاق اسلامی در فضای مجازی

هر منظومه اخلاقی که بخواهد در رابطه با فضای مجازی شکل بگیرد، ابتدا بایستی رفتارهای آن با این هدف کلان یعنی یاد خدا و تقرب به سمت خداوند متعال قیاس گردد تا به تبع آن، بتوان اموری را که در فضای مجازی رخ می‌دهد، ارزش‌گذاری نمود. برای ارزیابی حرکت افراد در مسیر معنویت و تکامل و رشد آن‌ها، دستورالعمل‌هایی

در ادله شرعی وارد گردیده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر آیه شریفه «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّنْ رَبِّهِ»، شرح صدر برای ایمان را سه مورد معرفی نمودند که عبارتند از: دوری از امور دنیوی؛ اقبال به امور اخروی و آمادگی برای موت (طبرسی، ۱۴۱۲: ۴۴۷ و فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ۴۴۸/۲).^۴ این سه، ملاک‌های اصلی برای تشخیص حرکت در مسیر رشد و کمال است. از آن جا که یکی از دستورات دین مقدس اسلام محاسبه نمودن (حرانی، ۱۴۰۴: ۳۹۶ و کوفی اهوازی، ۱۴۰۲: ۷۶)^۵ است، بر اساس ملاک‌های مذکور، بایستی این سه علامت مهم را روزانه انجام داد تا شرح صدر برای ایمان صورت پذیرد که در ادامه هریک به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱-۲. دوری از امور دنیوی

دوری از امور مادی و فریبنده، زمانی برای انسان محقق می‌گردد که میزان تعلقات شخص نسبت به امور دنیوی و مادی محاسبه گردد. آزردهی خاطر در قبال از دست دادن امور مادی، حکایت از تعلق انسان به آن امور می‌کند و به همین خاطر است که در روایات بر این مسئله تصریح شده است که انسان باید وضعیت خود در دنیا را همانند شخص غریب یا رهگذری بداند تا نسبت به امور دنیوی تعلق پیدا ننماید (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۰۲ و دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۳۹).^۶ تعلقات دنیوی می‌تواند اموری همچون مال، آبرو، سلامتی خود و بستگان باشد که پرداختن بیش از حد به آن‌ها مورد نهی اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام قرار گرفته است.^۷ (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۴۳۵/۲۱ و طبرسی، ۱۳۸۵: ۸۵). مقایسه تعلقات خود به امور پیرامونی در زمان‌های گوناگون خود، می‌تواند حاکی از میزان نزدیکی و دوری انسان از امور دنیایی و مادی باشد. اگر انسان نسبت به این امور تعلق و دلبستگی نداشته باشد و همه آن‌ها را متعلق به خداوند بداند به‌گونه‌ای که چنین اموری به عنوان امانت در نزد وی قرار داده شده است، چنان‌که نگاه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نسبت به تمامی نعمت‌ها این گونه بود (مفید، ۱۴۱۳: ۲۸۲)، موجب می‌گردد که در قبال از دست دادن آن‌ها نیز حسرت نخورد. اما

اگر با مقایسه حال کنونی خود با گذشته، میزان تعلقات دنیوی کاسته نشده و یا این که بر میزان آن افزوده شده باشد، بدیهی است که دوری از دار غرور و فریب برای انسان رخ نداده است.

۲-۲. اقبال به دار آخرت

شاخصه دوم برای شرح صدر در برابر ایمان، توجه و اقبال به آخرت است (کفعمی، ۱۴۱۸: ۱۳۵) که یکی از نمونه‌های آن در رابطه با نماز مطرح می‌گردد؛ چراکه نماز موجب در امان ماندن از معاصی در پرتوی عنایات خداوند متعال می‌گردد (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۱۶۶).^۸ انسان مسلمان از طریق مقایسه نمازهای فعلی خود با گذشته و ارزیابی میزان حضور قلب خود، در این بازه زمانی می‌تواند پی ببرد به اینکه آیا اقبال به آخرت پیدا نموده است یا نه؟ نمونه دیگر در این باب، ارزیابی شخص نسبت به میزان علاقه وی برای زیارت کردن ائمه معصومین علیهم‌السلام (شعیری، بی تا: ۳۳ و حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۳۲/۱۴) و اهل قبور^{۱۰} (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۳۲۳ و ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۷۸/۱) و قرائت قرآن کریم^{۱۱} (حرعاملی، ۱۴۱۸: ۳/۳۱۹) و ادعیه ائمه معصومین علیهم‌السلام است. نمونه دیگر برای ارزیابی خود در اقبال به آخرت، این است که میزان یاد خدا را در طول شبانه‌روز محاسبه و برنامه‌ای همراه با رفق و مدارا برای افزایش آن تهیه نماید.

۲-۳. آمادگی برای موت

بر اساس عمل نمودن به دو دستور پیشین، می‌توان بدین معیار نیز دست یافت که در واقع میزان آمادگی برای مرگ، برآیندی از دوری از امور و رغبت به سمت آخرت است؛ چراکه با دل کندن از امور دنیوی و رغبت شدید به امور اخروی زمینه‌ای برای ترس از مرگ باقی نمی‌ماند، بلکه مرگ پلی برای رسیدن به کمالات و لذات خود تلقی می‌گردد و در دنیا، لحظه‌شماری برای رسیدن چنین زمانی را می‌نماید، چنان که امیرالمؤمنین علیه‌السلام یکی از اوصاف متقین را چنین بیان کرده است^{۱۲} (هلالی، ۱۴۰۵: ۸۵۰/۲).

۳. راهکارهای تشخیص مصادیق راهبردها در فضای مجازی

رکن اساسی برای تشخیص مصادیق شاخصه‌های کلان، دستورات شرع مقدس اسلام است که از طریق آموزه‌های آن، می‌توان اموری را که مقرب به خداوند متعال و یا مبعود از وی است، به‌دست آورد؛ چراکه بدون رجوع به آن، نمی‌توان درک درستی از مصالح و مفساد پیدا نمود؛ چنان‌که در حال حاضر، کشورهای به‌ظاهر پیشرفته نیز نتوانسته‌اند برنامه‌ی جامعی ارائه دهند تا پاسخ‌گوی تمام نیازهای اساسی انسان‌ها باشد؛ چراکه تنها خداوند متعال نسبت به نیازهای اساسی انسان احاطه دارد که از طریق دین مبین اسلام، این برنامه جامع در اختیار انسان‌های حقیقت‌طلب و طالب کمال و معنویت قرار گرفته است که با تسلیم بودن در برابر چنین معارفی می‌توان به مرتبه‌ای رسید که نه حزنی از گذشته و نه ترسی نسبت به آینده داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۹۹/۱۸). آموزه‌های دین اسلام، در رابطه با تشخیص نیازهای واقعی از کاذب خود، نیازمند توجه به اموری است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱-۳. مراجعه به افراد خبره متعهد

یکی از امور اساسی برای تشخیص نیازهای واقعی از نیازهای کاذب، تحقیق و تفحص و مراجعه به اهل خبره و کارشناس است. به عنوان نمونه، یکی از دستورات دین کمک به فقرا است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۲/۳)، اما شاخصه‌های فقر، ملاک تشخیص فقیر از غنی و نحوه اطعام کریمانه بر عهده دین نیست، بلکه بر عهده خبره و متخصص است که در برخی روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام تنها به برخی از انحاء کریمانه انفاق اشاره نموده‌اند^{۱۳} (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۳۲۹/۲)، اما تفصیل آن را که کاری موضوع‌شناسانه است بر عهده خبره و متخصص قرار می‌گیرد.

انسان‌ها برای تشخیص نیازهای خود به خبره و کارشناس مراجعه می‌نمایند که یکی از شرایط کارشناس، تعهد و صداقت است به گونه‌ای که نظراتش مبتنی بر هوای نفس نباشد. چنان‌که در قرآن کریم (کهف: ۲۸) نیز خداوند متعال اطاعت از کسانی که غافل از یاد خدا می‌باشند و از هوای نفس خود تبعیت می‌کنند، بر حذر داشته

است (حویزی، ۱۴۱۵: ۲۵۷/۳ و مغنیه، ۱۴۲۴: ۱۲۱/۵). در بسیاری از مواقع، افراد به کارشناسانی مراجعه می‌کنند که اگرچه از خبرویت برخوردارند، ولی صداقت ندارند که این خصوصیت موجب می‌گردد که در تشخیص نیازها اشتباه نماید. در زمان کنونی که رسانه‌های استعماری از سیطره گسترده‌ای برخوردارند، این مسئله یعنی رجوع به کارشناس اهمیت بیشتری می‌یابد. دشمنان اسلام، عقاید باطل خود را از طریق عناوین به ظاهر علمی در جوامع اسلامی تزریق می‌نمایند، نیازهای کاذبی برای آن‌ها ایجاد شده و پشتوانه‌های به ظاهر علمی برای آن فراهم می‌نمایند تا این‌گونه تلقی شود که این نیازها واقعی است و بایستی درصدد رفع آن‌ها برآمد. از آن‌جا که فضای رسانه در اختیار آن‌ها است، فضایی برای نقد ادعاهای آن‌ها توسط جریان مخالف پدید نمی‌آید و تشخیص نیازهای واقعی از نیازهای کاذب بر افراد عادی مشکل می‌گردد. یکی از نمونه‌های بارز در این رابطه بحث کنترل جمعیت است. مقام معظم رهبری کنترل جمعیت در آن دوران را به مصلحت کشور ندانستند، اما جریان رسانه‌ای دشمن به‌گونه‌ای عمل نمود که تمام دستگاه‌های اجرایی کشور در خدمت ترویج اغراض شوم آن‌ها در جهت کنترل جمعیت ایران قرار گرفت؛ چراکه این‌گونه وانمود می‌گردید که کنترل جمعیت، نیاز اساسی کشور است و در صورت عدم کنترل، نمی‌توان به مدیریت جامعه پرداخت. نفوذ این تبلیغات گسترده در ذهن مردم، به قدری عمیق بود که در حال حاضر، با سفارش‌های مقام معظم رهبری و تعیین خط مشی کلی نظام در رابطه با برداشتن سیاست تنظیم جمعیت خانواده نیز همچنان این فرهنگ غلط در رابطه با نkohش فرزندآوری از ذهن افراد پاک نگردیده است. چنان‌چه نظیر این مسئله را می‌توان در رجوع به خبرگان بدون تعهد در مسائل غذایی و سبک زندگی جامعه نیز مشاهده نمود (ر.ک: حسینی تهرانی، ۱۴۲۵: ۱۳۵).

۲-۳. تفکیک مطالب علمی از شهرت‌های بی‌اساس

یکی دیگر از عواملی که موجب اشتباه در شناخت نیازهای واقعی از نیازهای کاذب می‌گردد، رجوع به شهرت است که در واقع، خود باز خوردی از عامل پیشین است؛

چراکه با تبلیغات گسترده، موجبات مشهور شدن عقایدی می‌گردند و افراد به جهت شهرت آن به تبعیت از آن می‌پردازند، بدون آن که به اصل و اساس چنین اعتقادی توجه کنند. چنان که در قرآن کریم (بقره: ۱۷۰)، یکی از علل امتناع کفار در برابر دعوت حق انبیا، پیروی کورکورانه از پیشینیان معرفی شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۲۱۱/۱). یکی از عوامل تحقق نیازهای کاذب، شهرت‌های اجتماعی است. برخی باورها در جامعه، تحت عوامل مختلفی مشهور می‌گردد. به گونه‌ای که این باور عمومی شکل می‌گیرد چنین امری در جامعه، یکی از نیازهای اساسی است. بسیاری از حسن و قبح‌های عرفی در جامعه از این قبیل است و تنها تحت عوامل گوناگون شهرت یافته‌اند، اما از مبنا و پشتوانه محکمی برخوردار نیستند و تنها پشتوانه آن این است که چنین باوری از شهرت برخوردار است. به عنوان نمونه، یکی از باورهای غلط در باب ازدواج این است که بایستی تمام شرایط مادی از قبیل خانه، ماشین و... برای زندگی فراهم گردد و بعد از آن، اقدام به ازدواج نمود و اگر بدون تحصیل این مقدمات ازدواج شکل گیرد، عرف آن را قبیح می‌داند. زمانی که از علت قبح چنین مسئله‌ای سؤال شود، تنها پاسخ، زشت شمردن مردم در قبال چنین عملی است و از فلسفه دیگری برخوردار نخواهد بود. در حالی که در شریعت و سیره اولیاء الهی، هیچ کدام از این مقدمات برای ازدواج ذکر نگردیده است، بلکه در مقابل این چنین وعده داده شده است^{۱۴} (نور: ۳۲) که از طریق ازدواج نیازهای مادی شما نیز تأمین می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۳، ۱۵۷/۱۵ و بحرانی، ۱۴۱۵: ۶۳/۴) و عدم اقدام به ازدواج به جهت مشکلات مالی، امری جز سوء ظن به خداوند متعال تلقی نشده است^{۱۵} (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۱/۵ و ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۳۰۱). ائمه معصومین علیهم‌السلام در روایات خود، یکی از اولین علائم مؤمن را این می‌دانند که اگر به سخن حقی دست یافت و همه عالم با آن مخالف بودند، آن را بپذیرد و به مخالفت‌ها اعتنا ننماید و از سوی دیگر، اگر به بطلان مطلبی پی برد، اگر تمام عالم نیز آن را حق بیندارند، دست از آن برندارد؛ چراکه حق امری است که نظر اکثریت نمی‌تواند ماهیت آن را تحت تأثیر خود قرار دهد، بلکه تنها می‌تواند نظر غالب افراد مقارنت داشته باشد، بدون آنکه ملازمه‌ای میان این دو باشد (بحرانی، ۱۴۱۱:

۳-۳. تفکیک نیازهای مبتنی بر عادت از نیازهای فطری

عامل سومی که موجب انحراف در تشخیص نیاز واقعی از نیاز کاذب می‌گردد رجوع به عادت است. رفتارهایی که از انسان‌ها سر می‌زند، گاهی مبتنی بر فطرت و گاهی مبتنی بر عادت است. برای تشخیص این دو از یکدیگر بایستی بدین نکته توجه نمود که فطرت عبارت از ساختمان وجودی اولیه انسان است که بدون آن که تحت تأثیر امور ثانوی قرار گیرد، اقتضائاتی را به دنبال دارد. به عنوان نمونه، غذا خوردن و خوابیدن هر یک نیاز فطری انسان محسوب می‌گردد؛ چراکه ساختمان وجودی انسان همیشه محتاج این دو بوده است به گونه‌ای که با عدم برطرف ننمودن چنین نیازهایی زندگی شخص مختل می‌گردد و نمی‌تواند به سمت خداوند متعال حرکت نماید. اما برخی نیازها بر اساس عادات شکل می‌گیرند که این عادات خود مبتنی بر سبک زندگی خاصی است؛ بدون آن که چنین نیازهایی برخاسته از فطرت باشد. انسان‌ها معمولاً میان نیازهای مبتنی بر عادت با نیازهایی که مبتنی بر فطرت هستند تمایزی نمی‌گذارند و هر دو را نیازهای واقعی خود می‌پندارند درحالی که نیازهای مبتنی بر عادات نیازهای واقعی محسوب نمی‌گردند. به عنوان نمونه، عادت ایرانی‌ها بر صرف سه وعده غذایی در شبانه‌روز است که مبتنی بر چنین عادتی نیازهایی شکل می‌گیرد که در صورت عدم تأمین آن احساس کمبود برای انسان‌ها صورت می‌پذیرد درحالی که ضرورت داشتن وعده غذایی امر مسلمی برای انسان‌ها شمرده نشده است (مطهری، بی تا، ۲۳۰/۲۱ و وکیلی، ۱۳۹۶، ۶۲).

۴. ارزیابی حوزه‌های فضای مجازی

بر اساس نگرش، راهبردها و راهکارهایی که در رابطه با فضای مجازی مطرح گردید، نوبت به ارزیابی بخش‌های عمده فضای مجازی براساس این راهبردها و راهکارها می‌رسد که پیش از پرداختن به آن، این نکته بایستی مورد توجه قرار گیرد که این

ارزیابی‌ها به عنوان اصول اولی صورت می‌گیرد تا زندگی صحیح ایمانی صورت پذیرد اما نتیجهٔ چنین ارزیابی‌هایی نمی‌تواند نسخه‌ای عملی برای فضای عمومی جامعه کنونی باشد؛ چراکه به جهت شکل‌گیری و ارتکاز باورهای گوناگون نادرست در اذهان عرف، این اصول اولیه به‌طور کامل قابل اجرا نخواهد بود و اقدامات زمینه‌ساز دیگری نیز بایستی صورت پذیرد تا از طریق آن امور بتوان باورهای نادرست را کنار زد و به اصول اولیه حیات‌بخش در جامعه که روح کلی آن ارتباط با خدا است، دست یافت. پرداختن به اموری که حد وسط اصول اولیه و وضعیت کنونی جامعه قرار می‌گیرند، خود مجال دیگر می‌طلبد و در ادامه براساس اصول اولیه، برخی از اقسام عمده فضای مجازی در دو بخش تأثیرات خودآگاه و ناخودآگاه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱-۴. ارزیابی تأثیرات خودآگاه فضای مجازی

۱-۱-۴. ارزیابی سرگرمی‌های مجازی

یکی از بخش‌های عمده فضای مجازی، مربوط به سرگرمی‌های مجازی است. معادل سرگرمی در لسان آیات و روایات لهو است که لهو در لغت عرب به معنای چیزی است که انسان را به خود مشغول می‌کند و از هدف اصلی بازمی‌دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸۷/۴ و اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۴۸). سرگرمی‌های فضای مجازی، شامل مواردی همچون بازی، فیلم و گزارشات محیرالعقول از حوادث عجیب و... است. مشغولیت به این امور موجب می‌گردد که حاصلی جز سرگرم شدن برای او پدید نیاید. یکی از سؤالات جدی در این زمینه این است که آیا انسان‌ها واقعاً به سرگرمی نیازمندند؟ بسیاری از افراد حقیقتاً به سرگرمی نیازمندند، اما این نیاز برگرفته از عادت است، نه فطرت؛ چراکه اگر نیازی فطری باشد، با نبود آن زندگی مختل می‌گردد، در حالی که چنین سرگرمی‌هایی در قدیم نبوده، ولی در عین حال زندگی افراد مختل نشده است. چنان‌چه با مراجعه به قرآن کریم و روایات چنین سرگرمی‌هایی مصداق لهو قرار می‌گیرند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۲۰۴/۲۶) و نیاز حقیقی انسان تلقی نمی‌گردند که به همین جهت، حکم شرعی آن حرام یا مکروه می‌گردد، در حالی که اگر پرداختن به امور لهو، نیاز فطری

انسان‌ها بود، چنین احکامی در دین اسلام برای آن وضع نمی‌گردید (روم: ۳۰)؛^{۱۷} چراکه دین اسلام مبتنی بر فطرت انسان‌ها است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۶۶/۱۶ و کرمی، ۱۴۰۲: ۲۴۱/۶). انسان مؤمن برای داشتن زندگی سالم، نیازمند بسیاری از امور لهو نیست. چنان‌که علامه طباطبایی در ذیل آیه «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌّ وَلَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (انعام: ۳۲) می‌فرماید: حال حیات دنیوی و اخروی و مقایسه بین آن دو و اینکه حیات دنیوی لهو و لعب است و بس به‌خاطر این است که این زندگی چیزی جز یک سلسله عقاید اعتباری و غرض‌های موهوم نیست و چون لعب هم عبارت است از سرگرمی به موهومات، بنابراین دنیا نیز یک نوع لعب خواهد بود و از آن‌جایی که آدمی را از مهمات حیات اخرویش که حیات حقیقی و دائمی است، باز می‌دارد و لهو هم چیزی است که آدمی را از مهماتش باز می‌دارد، پس دنیا هم نوعی لهو است و اما اینکه چرا دار آخرت خیر است، آن هم تنها برای متقین؟ جهتش این است که دار آخرت حیاتی حقیقی و ثابت است و چنین حیاتی جز برای متقین دست نمی‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷۹/۷).

تنها برخی از امور لهو، برای زندگی سالم استثنا گردیده‌اند به‌گونه‌ای که پرداختن به آن امور حکم حرمت یا اباحه نخواهند داشت، بلکه در صورتی که موجبات غفلت را فراهم نیورد، می‌تواند نقشی بسزا در تقرب انسان به سمت خداوند متعال داشته باشد. ۱. یکی از موارد استثنا انس داشتن با خانواده^{۱۸} (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۵۶۷/۲ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۷۱) و انس با برادران ایمانی است (برقی، ۱۳۷۱: ۳۵۷/۲).^{۱۹} چنین انسی که در مسیر اهداف طبیعی زندگی است، موجب سرگرمی و رفع خستگی می‌گردد که در صورت عدم غفلت از یاد خدا، می‌تواند موجبات رشد و سعادت انسان را فراهم کند، چنان‌چه از تفاوت‌هایی که در لسان ادله، میان اعمال انسان مجرد و متأهل گذاشته می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۴۰/۷)،^{۲۰} می‌توان به راجح بودن چنین انسی پی برد و آن را از عموماتی که لهو را به صورت کلی مذموم می‌داند، خارج نمود و در زمره موارد راجح همچون واجب و مستحب داخل نمود (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۰/۱۰۰ و ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵: ۲۸۶/۳).^{۲۱}

۲. مورد دیگری که از عمومات لهو در ادله خاص استثنا گردیده‌اند، ورزش‌های مفیدی همچون تیراندازی، و شنا است^{۲۲} (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷/۶ و بروجردی، ۱۳۸۶، ۵۱۲/۲۲). پرداختن به امور لهو و باطل بیش از اموری که مجاز دانسته شده است، در عمومات لهو وارد می‌گردد و از لحاظ شارع مرجوح و ناپسند خواهد بود؛ چنان‌که زمانی که از ائمه معصومین علیهم‌السلام در رابطه با حکم برخی از بازی‌ها همچون شطرنج سؤال می‌گردید، قاعده‌ای کلی ارائه می‌نمودند؛ بدین صورت که هر آن‌چه وجدان انسان بر باطل و بیهوده بودن آن حکم نماید، بایستی از آن اجتناب نمود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰۹/۲۲ و کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۶/۶).^{۲۳} به عنوان نمونه، خواندن رمان و داستان‌هایی که هیچ نکات آموزنده‌ای در آن یافت نمی‌شود، یکی از مصادیق لهو است؛ چراکه فایده و ثمره‌ای بر آن مترتب نمی‌شود و در صورت ترتب مفسده حرام نیز خواهد بود.

البته با توجه به شیوع رمان‌نویسی در دنیا، اغراض عقلایی برای آن در برخی موارد لحاظ گردد، مثلاً از طریق خواندن رمان یک کشور بتوان به روحیات و خصوصیات اجتماعی مردم آن سرزمین پی برد. شخصی که با قصد جامعه‌شناسی و دستیابی به فرهنگ یک جامعه به سمت مطالعه رمان برود، امر عقلایی محسوب می‌گردد و از دایره لهو مرجوح خارج می‌گردد، اما فضای غالب در خواندن رمان همراه با این اغراض عقلایی نیست و چنین مواردی داخل در مصادیق لهو می‌گردد. ساخت فیلم و تماشای آن نیز در غالب موارد آن سرنوشتی همچون رمان خواندن پیدا می‌نماید؛ چراکه چنین اموری تنها انسان‌ها را به خود سرگرم می‌کند، بدون آن‌که فائده‌ای بر آن مترتب گردد. در عصر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برخی افراد داستان‌هایی از ایران را در خانه‌های اعراب نقل می‌نمودند، بدون آن‌که بر آن‌ها ثمری بار شود. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برابر چنین داستان‌های خیالی و اسطوره‌ای به شدت موضع گرفتند و پرداختن به آن را امر نادرستی دانستند. آیه شریفه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان: ۶) نیز اشاره به همین ماجرا دارد که عده‌ای اموری را که لهو الحدیث بودند می‌خریدند تا از طریق آن مردم را به غفلت بکشانند (ابومخنف، ۱۴۱۷: ۵). لهو الحدیث گفتارهای جدیدی است

که انسان را از رفتارهای حقیقی زندگی غافل می‌کند. توجه به بی‌فایده بودن چنین لهوهایی نه تنها طالب معنویت و آخرت را از پرداختن به آن بازمی‌دارد، بلکه طالب دنیا و مقام‌های دنیوی نیز به جهت دستیابی به اغراض خود هیچ‌گاه خود را مشغول چنین امور بی‌فایده‌ای نمی‌نمایند.

از جمله اموری که نشان می‌دهد نباید عناوین لهوی مجاز را توسعه داد روایاتی است که از ائمه معصومین علیهم‌السلام در مورد ورزش‌هایی همچون چوگان و بازی‌هایی همچون شطرنج بیان گردیده است. امام معصوم علیه‌السلام در پاسخ به سؤالاتی که در این باره مطرح می‌گردید، این‌گونه بیان می‌نمودند که مؤمن به امور لهو نمی‌پردازد و در مورد بازی چوگان نیز تعبیر شدیدتری را مطرح نمودند، بدین صورت که وقتی اسب را می‌دواند شیطان نیز با او می‌دود اگر شخص در حال بازی چوگان از اسب بر روی زمین افتد راهی جهنم می‌گردد (علی بن موسی، ۱۴۰۶: ۲۸۴ و مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۶/۷۳).^{۲۴} از جمله مؤیدات این مطلب این است که در برخی روایات سفری را که به قصد شکار صورت می‌پذیرد و غرض از آن جز تفریح نمی‌باشد، سفر معصیت تلقی شده و نماز بایستی در چنین سفری تمام خوانده شود (نوری، ۱۴۰۸: ۵۳۳/۶).^{۲۵}

پدیدآمدن سرگرمی‌ها و رواج لهو و لعب، از عوارض فرهنگ نادرست غرب است که در جامعه اسلامی رواج یافته است و گرنه زندگی سالم و الهی بدون هیچ لهو و لعبی همیشه همراه با شور و نشاط و شوق و آرامش است و اموری که موجب شور و نشاط مؤمن می‌گردد، در افق‌های آن انجام عبادات و اعمال حسنه‌ای همچون خدمت به خلق و علم‌آموزی است و در افقی پایین‌تر از آن انس گرفتن با برادران ایمانی و اعضای خانواده است که چنین انسی موجب ترویج و نشاط قلب مؤمن می‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰/۵ و مجلسی، ۱۴۰۶: ۱۶۶/۱۰).^{۲۶}

براین اساس، بایستی فعالیت‌های سرگرمی در فضای مجازی را طبقه‌بندی نمود و با معیارهای کلان مذکور آن‌ها را به سرگرمی‌های مثبت و منفی تقسیم نمود که سرگرمی‌های مثبت مواردی‌اند که اغراض عقلایی بر آن‌ها مترتب می‌گردد.

۲-۱-۴. ارزیابی اخبار جزئی در فضای مجازی

اخبار به معنای حوادثی است که در دنیا اتفاق افتاده و یا در حال جریان است. یکی از باورهای رایج و مشهور در این باب که از تبلیغات استعماری نشأت گرفته این است که اطلاع از اخبار فضیلت است و انسان حتماً بایستی از اخبار مطلع گردد و الا از اوضاع جامعه بی‌اطلاع می‌گردد و به تبع آن از منافع محروم می‌گردد. اما مطالعه سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خلاف چنین مدعایی را نشان‌گر است؛ چنان‌که مردم قریش به زندگی معمول خود مشغول بودند اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از بعثت، به خلوت و مناجات با خداوند متعال در غار حرا می‌پرداختند که چنین عملی نه تنها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در مضیقه و سختی قرار نداد، بلکه زمینه و مقدمات مبعوث شدن ایشان را نیز فراهم نمود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۶۲/۹). اصول عقلایی نیز اطلاع از تمام اخبار جزئی را توصیه نمی‌نماید و منفعتی بر آن مترتب نمی‌نماید. بلکه تأکید شرایع الهی و اصول عقلایی بر دنبال نمودن علم نافع است، بنابراین در بین علوم، غیر نافع کنار گذاشته می‌شوند و در میان علوم نافع، علمی انتخاب می‌گردد که نفعش از سایر علوم بیشتر باشد. میان علوم نافع، علمی که کلی است از علم جزئی نفعش بیشتر است. اگرچه علم شرافت ذاتی دارد (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰: ۱۳ و برقی، ۱۳۷۱، ۱/۲۲۵)،^{۲۷} اما به جهت آن که ظرف وجودی انسان‌ها و فرصت یادگیری آن‌ها محدود است، اگر علوم بی‌فایده یا کم‌فایده ظرف وجودش را در برگیرند، جایی و فرصتی برای علوم پرفایده باقی نمی‌ماند. لذا بایستی علوم را از لحاظ درجه اهمیت بایستی طبقه‌بندی نمود و علوم اهم را بر مهم تقدیم نمود.

بر این اساس، اطلاع یافتن از اخبار جامعه، تنها در حدی ضرورت می‌یابد که موجب رشد و حرکت انسان به سمت خداوند متعال گردد و بیش از آن، در زمره امور لاهوی مرجوح قرار می‌گیرد که انسان را به خود مشغول می‌کند به گونه‌ای که از هدف خود باز می‌ماند مگر آنکه پرداختن به امور جزئی که تا حدودی موجب بینش اجتماعی می‌گردد از امور کلی با نفع بیشتر محروم ننماید.

پس بایستی به جای پرداختن به اخباری که حوادث گذرینند به اموری پیردازد که

در یک برهه طولانی اثرگذار باشد. به عنوان نمونه، به جای دنبال نمودن اخباری که اطلاعات گذرا و روزانه‌ای در رابطه با نحوه برخورد دشمنان دین با مسلمانان می‌دهد، بایستی اصول و مبانی دشمن‌شناسی، حیل‌ها و برنامه‌های اصولی دشمنان، اهداف استعماری و روش‌های اجرایی آن‌ها را از طریق منابع تخصصی مطالعه نماید تا در پی آن به بصیرتی دست یافت که مقام معظم رهبری مکرراً بر آن توصیه فرموده‌اند. پیش از مطالعه اخبار جزئی، بایستی ابتدا شخص موقعیت و وظیفه خود را از لحاظ اجتماعی و تأثیرگذاری بر جامعه معین نماید و پس از آن، اطلاع از قواعد کلی و عمومی حوادث جامعه پیدا نماید تا از این طریق، به میزان لازم برای مطالعه اخبار و حوادث جزئی دست یابد؛ چراکه در غیر این صورت، یعنی بدون اطلاع از قواعد عمومی حاکم بر جامعه و تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز نبودن در جامعه، مطالعه اخبار و حوادث نقشی جز اتلاف سرمایه عمر نخواهد داشت؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: قلب انسان حرم خدا است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵/۶۷) و امور غیر خدایی یعنی اموری که موجبات رشد انسان را فراهم نمی‌آورد، نبایستی در چنین مکان مقدسی قرار گیرد؛ چراکه به تعبیر دیگری که در آیات قرآن کریم موجود دو قلب در درون وجود انسان نهاده نشده است. بر این اساس، هر شخصی بر اساس مسئولیتی که در جامعه دارد، صرف اوقات خود در اخبار فضای مجازی را تعدیل نماید.

مطالعه اخبار جزئی کم‌فایده یا بی‌فایده، از سویی موجب غفلت از یاد خدا می‌گردد و رشد انسان را متوقف می‌کند و از سمت دیگر، جاذبه‌هایی در اطلاع یافتن از چنین اخباری پدید می‌آید به گونه‌ای که جایگزین جاذبه‌های ارتباط با خداوند می‌گردند و رغبت شخص در انجام عباداتی همچون نماز در اول وقت آن را می‌کاهد.

۳-۱-۴. ارزیابی اخبار علمی در فضای مجازی

مطالب علمی که در فضای مجازی یافت می‌شود، ذاتاً شرافت دارد، ولی نکته اساسی آن است که در میان علوم نافع نیز بایستی علوم مهم را علوم مهم مقدم نمود. متأسفانه بر اثر نفوذ استعماری دشمنان دین در جامعه اسلامی، اهم علوم در جامعه

علوم مادی همچون علوم تجربی، ریاضی و... دانسته می‌شود در حالی که در اسلام برای مسلمان اهم علوم، علمی است که به خداشناسی، آخرت‌شناسی و انسان‌شناسی و به تبع آن حرکت به سمت خداوند متعال منتهی شود^{۲۹} (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲/۲).

یکی از نکات کلی در این باب، این است که به عنوان اصل اولی و پایه، هیچ‌گاه انسان دانشمند منبع تحقیقات خود را فضای مجازی و رسانه قرار نمی‌دهد، بلکه منبع خود را متن قابل دفاع و قابل پیگیری قرار می‌دهد. در حالی که اطلاعات علمی در فضای رسانه نه قابل اعتماد و نه قابل پیگیری است؛ چراکه مدیر هر یک از چنین فضاهایی دائماً می‌تواند مطالب علمی را تغییر دهد، لذا ضمانتی برای چنین مطالب علمی وجود ندارد. زمانی که کتابی چاپ می‌گردد، به عنوان سندی رسمی باقی می‌ماند و از ارزش علمی برخوردار خواهد بود، لذا اهل علم و تحقیق پایه تحقیقات خود را چنین منابعی قرار می‌دهند که هم از قابلیت بقا و عدم تغییر برخوردار است و هم سند رسمی قابل استناد محسوب می‌گردد. به جهت چنین ارزش‌هایی که در کتاب وجود دارد، نهادهای ارزیابی نیز در ارزیابی کتاب و اعطاء مجوز نسبت به سایر منابع مکتوب سخت‌گیری بیشتری را اعمال می‌نمایند، اما در فضای مجازی افراد برای نشر مطالب خود یا محتاج مجوزی نمی‌باشند و یا اینکه اعطاء مجوز به سهولت صورت می‌پذیرد. لذا رجوع به فضای مجازی برای کسب اطلاعات علمی بر اساس قاعده‌الاهم فالاهم، تنها موارد محدودی را متناسب با سطح نیاز مخاطب به خود اختصاص می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲/۱).

۴-۱-۴. ارزیابی خدمات فضای مجازی

محتوای دیگر در فضای مجازی، مربوط به خدماتی است که توسط این فضا صورت می‌پذیرد. مثلاً از چنین فضایی، برای ثبت‌نام در سامانه‌ها یا اطلاع یافتن از اطلاع‌رسانی‌های ضروری استفاده می‌شود. ذات چنین خدماتی نیکو هستند؛ چراکه موجب صرفه‌جویی در وقت و زمان و تسریع در انجام امور می‌گردد. بدون آن که ممنوعیت شرعی یا اخلاقی در آن یافت شود، اما کسی که می‌خواهد به سراغ فضای

مجازی برود، به خصوص در بحث تربیت فرزند نوجوان خود، بایستی منافع و مضرات چنین فضایی را محاسبه و ارزش گذاری نماید تا در نهایت، بتواند تصمیم درستی در قبال ورود یا عدم ورود به فضای مجازی بگیرد. ورود فرزند نوجوان به چنین فضایی، اگرچه به طور قطع، موجب بهره‌مندی از مزایای آن می‌گردد، اما به جهت دسترسی آسان به فضای اینترنت، از طریق ابزاری همچون تلفن همراه می‌تواند خطراتی را به همراه آورد که منافع آن در برابر چنین خطراتی ناچیز محسوب گردد.

۴-۲. ارزیابی تأثیرات ناخودآگاه فضای مجازی

یکی از مسائلی که در باب فضای مجازی مورد غفلت واقع می‌شود، تأثیرات ناخودآگاه است که چنین تأثیرات ناخودآگاهی از دیرباز وجود داشته و در حال حاضر، با توجه به فضای مجازی شدت یافته است. این تأثیرات به گونه‌ای است که حتی در آیات قرآن کریم نیز یافت می‌شود چنان‌که در روایتی از امام معصوم علیه السلام آمده است که در آموختن قرآن به دختران و همسران خود سوره یوسف را نیاموزید، بلکه سوره نور را بیاموزید.^{۳۰} در رابطه با علت آن نیز آمده است که در سوره یوسف، فتنه‌هایی وجود دارد، اما در سوره نور مواظب است (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۱۶/۵). در این‌که سراسر آیات قرآن کریم نور است و ظلمتی در آن یافت نمی‌شود، شکی نیست؛ چراکه بر اساس حق نازل شده و سوره یوسف نیز احسن القصص است، ولی آغاز آموختن تعلیمات قرآنی برای زنان نباید از سوره یوسف باشد، بلکه بایستی از سوره‌ای آغاز گردد که از لحاظ آثار تربیتی برای مخاطب مفید باشد. در سوره مبارکه یوسف، بدآموزی و تشویق به گناه وجود ندارد، اما داستان کسی همچون زلیخا را که به دنبال گناه بوده مطرح شده و در مقابلش حضرت یوسف پارسا که از گناه تبری می‌جسته و سال‌ها سختی را تحمل می‌کند تا گناه نکند. به صورت ناخودآگاه در ذهن دختر جوان این چنین شکل می‌گیرد که می‌توان گناه نمود و شخص زیبارویی را انتخاب نمود و او را دعوت به معصیت نمود. اما در سوره نور، آداب اجتماعی همچون کیفیت ارتباط با والدین و نحوه وارد شدن به منزل و به خصوص تأکید بر حرمت زنا و امثال آن آمده است که موجب

می‌گردد علاوه بر تعلم آداب مفید اجتماعی، تأثیرات ناخودآگاهی در ذهن مخاطب شکل نگیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱۱/۱۵).

از آن‌جا که بخشی از فضای مجازی در اختیار دشمنان اسلام است، تأثیرات ناخودآگاه چنین فضایی ضریب بالاتری پیدا می‌نماید و توجه به آن از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردد. در رابطه با این تأثیرات، از سویی بایستی به عموماتی همچون عدم لزوم اعتماد به دشمن و فاسق را بایستی مورد توجه قرار داد و از سوی دیگر، به آیات (عبس: ۲۴) و روایاتی توجه نمود که بر آن توصیه شده است. علاوه بر دقت در انتخاب غذای جسمی سالم، به نوع غذاهای روحی خود نیز توجه نمود^{۳۱} (برقی، ۱۳۷۱: ۲۲۰/۱). توجه به تأثیرات ناخودآگاه این فضا، به‌خصوص از طریق تماشای فیلم‌هایی که مبتنی بر فرهنگ غرب است، به قدری است که می‌تواند در درازمدت نسل جدید در جامعه اسلامی را در تقابل کامل با آموزه‌های اسلامی قرار دهد؛ چراکه از طریق چنین فضاهایی آداب زندگی و فرهنگ غرب در اذهان عرف مسلمان به صورت ناخودآگاه ارتکاز می‌یابد و به جهت ارزشمند شدن چنین باورهای مشهور، باورهای اسلامی که در تقابل کامل با چنین آداب و رسومی است به آسانی کنار گذاشته می‌شود.

نتیجه

از آن‌جا که فضای مجازی برخوردار از مزایا و معایبی است بایستی در صدد برنامه‌ای جامع بود تا از طریق آن بتوان از مزایای چنین فضایی استفاده نمود، بدون آن‌که معایب آن دامن‌گیر انسان گردد. در رابطه با استفاده کردن از چنین فضایی، در عرصه‌های گوناگون سرگرمی، اخبار جزئی، اخبار علمی و خدمات فضای مجازی، همیشه باید به این نکته توجه نمود که استفاده از آن‌ها چه تأثیر مثبت و یا منفی می‌تواند در مسیر بندگی و توحید برای انسان داشته باشد. برای تشخیص درست نسبت به تأثیرات از سویی بایستی به تأثیرات خودآگاه و ناخودآگاه آن در عرصه‌های مختلف فضای مجازی توجه نمود و از سوی دیگر، به تفکیک حکم و موضوع فضای مجازی پرداخت؛ چراکه برای دستیابی به احکام استفاده از آن بایستی به شرع مقدس و برای موضوع‌شناسی

به افراد خبره متعهد رجوع نمود.

پی‌نوشت‌ها

۱. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ».
۲. «إِنَّمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ لِيَعْبُدُونِ وَ خَلَقْتُ الْجِنَّ لِمَنْ أَطَاعَنِي وَ عِبَادِي مِنْهُمْ وَ اتَّبِعْ رُسُلِي وَ لَا أَبَالِي وَ خَلَقْتُ النَّارَ لِمَنْ كَفَرَ بِي وَ عَصَانِي وَ لِمَنْ يَتَّبِعْ رُسُلِي وَ لَا أَبَالِي».
۳. «الَّذِينَ صَلَّ سَعِيهِمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا».
۴. «وَرُوِيَ أَنَّ النَّبِيَّ، قَرَأَ أَفْصَحَ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَقَالَ إِنَّ النَّورَ إِذَا وَقَعَ فِي الْقَلْبِ انْفَسَحَ لَهُ وَ انشَرَحَ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ لِدَلِكِ عَلَامَةٌ يُعْرَفُ بِهَا قَالَ التَّجَافِي عَنِ دَارِ الْغُرُورِ وَ الْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ الْاسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ تَزْوُلِ الْمَوْتِ».
۵. «حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ { قَالَ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَحْسَبِ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ عَمِلَ خَيْرًا [حَسَنًا] اسْتَزَادَ اللَّهُ مِنْهُ وَ حَمِدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ عَمِلَ شَرًّا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ».
۶. «قَالَ: أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ، ذَاتَ يَوْمٍ بَعْضَ جَسَدِي، فَقَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَمْرٍو، كُنْ فِي الدُّنْيَا كَأَنَّكَ غَرِيبٌ وَ كَأَنَّكَ غَابِرٌ سَبِيلٍ، فَاعْدُدْ نَفْسَكَ فِي الْمَوْتِ».
۷. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ { لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَ وَلَدِكَ - فَإِنْ يَكُنْ أَهْلُكَ وَ وَلَدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَوْلِيَاءَهُ وَ إِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَمَا هُمُكَ وَ شُغْلُكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ».
۸. «وَ قَدْ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ { أَنَّهُ قَالَ: الصَّلَاةُ حُجْرَةُ اللَّهِ وَ ذَلِكَ أَنْهَا تَخْجُرُ الْمُصَلِّيَّ عَنِ الْمَعَاصِي مَا دَامَ فِي صَلَاتِهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُتَكْرَرِ».
۹. «رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ { أَنَّهُ قَالَ: مَنْ زَارَنَا بَعْدَ مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا وَ مَنْ جَاهَدَ عَدُوَّنَا فَكَأَنَّمَا جَاهَدَ مَعَنَا وَ مَنْ تَوَلَّى مَحَبَّتِنَا [مُحِبِّتَنَا] فَقَدْ أَحَبَّنَا وَ مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنَا وَ مَنْ أَعَانَ فُقِيرَنَا كَانَ مُكَافَأَتُهُ عَلَى جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ، وَ قَالَ { مَنْ زَارَ إِمَامًا مُفْتَرَضِ الطَّاعَةِ بَعْدَ وَفَاتِهِ وَ صَلَّى عِنْدَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً مَبْرُورَةً وَ عُمْرَةً وَ قَالَ الرِّضَا { إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي أَعْتَابِي شِبَعِيهِ وَ إِنْ مِنْ تَمَامِ وَفَاءِ الْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ كَانُوا شُفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».
۱۰. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ { قَالَ: يَخْرُجُ أَحَدُكُمْ إِلَى الْقُبُورِ فَيُسَلِّمُ وَ يَقُولُ السَّلَامَ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السَّلَامَ عَلَى مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فِرْطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ - وَ إِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ وَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ سُكْنَى الْقُصُورِ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ بَعْدَ النِّعْمَةِ وَ السُّرُورِ صِرْتُمْ إِلَى الْقُبُورِ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ كَيْفَ وَجَدْتُمْ طَعْمَ الْمَوْتِ ثُمَّ يَقُولُ وَيَلَّ لِمَنْ صَارَ إِلَى النَّارِ ثُمَّ يَهْرُقُ دَمْعَتَهُ وَيُنْصَرِفُ».
۱۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ { قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَائِمًا فِي صَلَاتِهِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مائةَ حَسَنَةٍ وَ مَنْ قَرَأَهُ فِي صَلَاتِهِ جَالِسًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ خَمْسِينَ حَسَنَةً وَ مَنْ قَرَأَهُ فِي غَيْرِ صَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ عَشْرَ حَسَنَاتٍ».
۱۲. «لَوْ لَا الْأَجَالُ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَهُمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ شَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ وَ خَوْفًا مِنْ

العقاب».

۱۳. «قَالَ: إِنَّ صَدَقَةَ السَّرِّ تُطْفِئُ عَصَبَ الرَّبِّ فَإِذَا تَصَدَّقَ أَحَدُكُمْ بِبَيْمِينِهِ فَلْيُخْفِهَا عَنْ شِمَالِهِ».
۱۴. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِمُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».
۱۵. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، مَنْ تَرَكَ التَّرْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ ظَنَّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ - إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِمُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».
۱۶. «إِنَّكَ إِنْ نَظَرْتَ تَحْتَكَ وَ لَمْ تَنْظُرْ فَوْقَكَ جَزَتْ عَنِ الْحَقِّ، إِنْ الْحَقُّ وَالْبَاطِلُ لَا يُعْرِفَانِ بِالنَّاسِ، وَ لَكِنْ اِغْرِفِ الْحَقُّ بِاتِّبَاعِ مَنْ اتَّبَعَهُ، وَ الْبَاطِلُ بِاجْتِنَابِ مَنْ اجْتَنَبَهُ».
۱۷. «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ».
۱۸. «وَ أَمَّا حَقُّ الرُّوْحَةِ فَانْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَهَا لَكَ سَكْنًا وَ أَنْسَأَ فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكَ فَتُكْرِمُهَا وَ تَرْفُقُ بِهَا».
۱۹. «قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ { وَ الْبَيْتُ غَاصَّ بِأَهْلِهِ فِيهِ الْخُرَّاسَانِيُّ وَ الشَّامِيُّ وَ مِنْ أَهْلِ الْأَقَاقِ فَلَمْ أَجِدْ مَوْضِعًا أَقْعُدُ فِيهِ فَجَلَسَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ { وَ كَانَ مُتَّكِنًا ثُمَّ قَالَ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اَعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ عَضْبِهِ وَ مَنْ لَمْ يُحْسِنِ صُحْبَةَ مَنْ صَحَبَهُ وَ مُخَالَفَةَ مَنْ خَالَفَهُ وَ مُرَافَقَةَ مَنْ رَافَقَهُ وَ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَهُ وَ مِمَّا لَحَاحَةً مَنْ مَالَحَهُ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».
۲۰. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ { رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيهِمَا الْأَعْرَبُ».
۲۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، تَنَاكَحُوا تَكْتُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقَطِ».
۲۲. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ { قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَ الرَّمَایَةَ».
۲۳. «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ { عَنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ الَّتِي يَلْعَبُ بِهَا النَّاسُ التَّرْدُ وَ الشُّطْرُنْجُ حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى السُّدْرِ فَقَالَ إِذَا مَيَّيَّ اللَّهُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ فِي أَيِّهِمَا يَكُونُ قُلْتُ مَعَ الْبَاطِلِ قَالَ فَمَا لَكَ وَ لِبَاطِلٍ».
۲۴. «وَ إِيَّاكَ وَ الصَّرْبَةَ بِالصُّوْلِجَانِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ وَ الْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ وَ مَنْ عَثَرَ دَابَّتَهُ فَمَاتَ دَخَلَ النَّارَ».
۲۵. «وَ قَالَ { أَيْضًا وَ لَا يَجِلُّ التَّمَامُ فِي السَّفَرِ إِلَّا لِمَنْ كَانَ سَفَرُهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَعْصِيَةً أَوْ سَفَرًا إِلَى صَيْدٍ وَ مَنْ حَرَجَ إِلَى صَيْدٍ فَعَلِيهِ التَّمَامُ إِذَا كَانَ صَيْدُهُ بَطْرًا وَ شَرَاهَا».
۲۶. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ، ارْكَبُوا وَ ارْزَمُوا وَ إِنْ تَرَمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ تَرَكَبُوا ثُمَّ قَالَ كُلُّ لَهْوِ الْمُؤْمِنِ بَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي تَأْدِيهِهِ الْفَرَسَ وَ رَمِيهِ عَنْ قَوْسِهِ وَ مَلَاعِبَتِهِ امْرَأَتُهُ فَإِنَّهُنَّ حَقٌّ إِلَّا إِنْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لِيَدْخُلَ فِي السَّهْمِ الْوَاحِدِ الثَّلَاثَةَ الْجَنَّةَ عَامِلٌ الْخَشْبَةَ وَ الْمُقْوَى بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الرَّامِي بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».
۲۷. «قَالَ الصَّادِقُ { الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ حَالٍ سَنِيٌّ وَ مُنْتَهَى كُلِّ مَنْزِلَةٍ رُبْعِيَّةٌ وَ لِذَلِكَ قَالَ النَّبِيُّ، طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ أَيْ عِلْمُ التَّقْوَى وَ الْيَقِينِ».
۲۸. «وَ قَالَ الصَّادِقُ { الْقَلْبُ حَرَمٌ لِلَّهِ فَلَا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ».
۲۹. «قَالَ عَلِيُّ { اظْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ وَ هُوَ عِلْمٌ مَعْرِفَةِ النَّفْسِ وَ فِيهِ مَعْرِفَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ».

۳۰. «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَعْلَمُوا نِسَاءَ كُمْ سُورَةُ يُوسُفَ وَلَا تَقْرَءُوهُنَّ إِنِّيهَا فَإِنَّ فِيهَا الْفِتْنَ وَ عَلَّمُوهُنَّ سُورَةَ التَّوْرَةِ فَإِنَّ فِيهَا الْمَوَاعِظَ».

۳۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ قَالَ قُلْتُ مَا طَعَامُهُ قَالَ عَلَّمَهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ مِمَّنْ يَأْخُذُهُ».

منابع

قرآن کریم

ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵)، *عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، قم: دار سید الشهداء.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۲)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۹۸)، *التوحید*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۵)، *المقنع*، قم: مؤسسه امام مهدی علیه السلام.

ابن حیون، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵)، *دعائم الإسلام*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

ابن قولویه، جعفر بن محمد، (۱۳۵۶)، *کامل الزیارات*، نجف: دار المرتضویه.

ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی، (۱۴۱۷)، *وقعة الطّف*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اصفهانى، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان: دار العلم.

بحرانى، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۱)، *حلیة الأبرار فی أحوال محمّد وآله الأطهار علیهم السلام*، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.

بحرانى، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، قم: موسسه البعثة.

برقى، احمد بن محمد، (۱۳۷۱)، *المحاسن*، قم: دار الکتب الإسلامیة.

بروجردى، حسین، (۱۳۸۶)، *جامع أحادیث الشیعة*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

ثقة الاسلامی، علیرضا، (۱۳۹۷)، «توسعه مفهومی سوزدهای انسانی در اخلاق پژوهش اینترنتی»، *اخلاق در علوم و فناوری*، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۱-۷.

جعفر بن محمد علیه السلام، (۱۴۰۰)، *مصباح الشریعة*، بیروت: انتشارات اعلمی.

حبیبی، سمیرا و نیلی، محمدرضا، (۱۳۹۵)، «اخلاق در شبکه اجتماعی و اعتباریابی اصول آن با منابع دینی»، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، تربت حیدریه، دانشگاه تربت حیدریه.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البتین ع.
حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۸)، الفصول المهمة فی أصول الأئمة، قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا ع.

حرانی، حسن بن علی، (۱۴۰۴)، تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حسن بن علی ع، (۱۴۰۹)، التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري ع، قم: مدرسة الإمام المهدي ع.

حسینی طهرانی، سید محمد حسین، (۱۴۲۵) رساله نکاحیه، مشهد: علامه طباطبائی. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵)، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.

دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۰۸)، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: مؤسسه آل‌البتین ع.

دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲)، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم: الشریف الرضی. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱)، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دمشق: دارالفکر.

شاملی، علی‌اکبر، (۱۳۹۶)، «آسیب‌های فردی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی»، اخلاق، دوره ۷، شماره ۴۷، صص ۱۱-۳۴.

شعیری، محمد بن محمد، (بی‌تا)، جامع الأخبار، نجف: مطبعة حیدریه. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲)، مکارم الأخلاق، قم: الشریف الرضی. طبرسی، علی بن حسن، (۱۳۸۵)، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریه.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴)، الأمالی، قم: دار الثقافة.

علی بن موسی علیه السلام، (۱۴۰۶). الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، مشهد: مؤسسه آل
البيت علیهم السلام

عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، تفسیر العیاشی، تهران: المطبعة العلمية.
فتال نیشابوری، محمد بن احمد، (۱۳۷۵)، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم:
رضی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
فیض کاشانی، محمد بن شاه، (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبه الصدر.
قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴)، تفسیر القمی، قم: دار الکتاب.
کرمی، محمد، (۱۴۰۲)، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه
قم.

کفعمی، ابراهیم بن علی، (۱۴۱۸)، البلد الأمين و الدرع الحصین، بیروت: مؤسسه
الأعلمی للمطبوعات.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیه.
کوفی اهوازی، حسین بن سعید، (۱۴۰۲)، الزهد، قم: المطبعة العلمية.
مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام،
بیروت: دار إحياء التراث العربی.

مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۴)، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب
الإسلامیه

مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶)، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقيه، قم:
مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.

مصطفی حسینی، محمد، (۱۳۹۶)، «آسیبها و فرصت های آموزش فضای مجازی
برای طلاب»، ره آورد نور، دوره ۱۶، شماره ۶۱، صص ۶۲-۷۹.

- مطهری، مرتضی، (بی تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم: صدرا.
- مغنیه، محمدجواد، (۱۴۲۴)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الإسلامی.
- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الأملی، قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- وکیلی، محمد حسن، (۱۳۹۶)، بنیادهای اصلاح جامعه اسلامی، مشهد: مؤسسه مطالعات راهبردی.
- وکیلی، محمد حسن، (۱۳۹۷)، معارف کاربردی (انسان شناسی و هستی شناسی)، مشهد: مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی.
- هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵)، کتاب سلیم بن قیس، قم: انتشارات الهادی.